

بررسی تأثیر سیاست مالیات بر ارزش‌افزوده بر فرایند‌گذار از دولت رانتییر در ایران با استفاده از آمارهای رسمی حوزه‌ی مالیاتی

مهدی مجد، علیرضا سلطانی* و علی عسکری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده. در حال حاضر نفت، مهمترین و در عین حال سیاسی‌ترین کالای اقتصادی جهان امروز است. در ایران نیز این کالا به عنوان مهمترین منبع قدرت سیاسی و اقتصادی محسوب می‌شود. همچنین باید توجه داشت که دارا بودن سرمایه‌های تجدیدناپذیر همچون نفت الزاماً به معنای امکانات رفاهی یک کشور نیست. وابستگی ملی کشورهای نفت خیز به نفت تبعات متنوعی از جمله رانتی شدن فعالیت‌ها برای این کشورها دربرداشته است. تکیه دولت‌های رانتییر بر درآمدهای سرشار نفتی؛ سبب نادیده گرفتن طبقات مختلف مردم و در نتیجه پیامدهای منفی برای اقتصاد این کشورها خواهد بود. از طرف دیگر، بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که اصلاح نظام مالیاتی می‌تواند نقش قابل توجهی در بهبود این وضعیت و گذار از دولت رانتییر داشته باشد. یکی از شاخص‌های مهم و مدرن برای اصلاح نظام مالیاتی، سیاست مالیات بر ارزش‌افزوده است. از این‌رو، هدف این تحقیق آن است که با استفاده از ظرفیت نظام آمارهای رسمی کشور، ابتدا به بررسی و ارزیابی نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌های موجود در تأثیر سیاست‌گذاری مالیاتی در ایران در فرایند‌گذار از دولت رانتییر با تأکید بر سیاست مالیات بر ارزش‌افزوده پرداخته و سپس استراتژی مناسب را انتخاب کنیم. در این راستا از روش‌ها و تجزیه و تحلیل‌های آماری مانند آنالیز رتبه‌ای فریدمن و آنالیز SWOT^۱ استفاده شد. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری

* نویسنده‌ی مسئول

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۵، پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۷

شامل ۱۰۰ نفر از کارشناس خبره در زمینه مالیات بر ارزش افزوده و مباحث دولت رانتییر است. همچنین، روش نمونه برداری به صورت تمام شماری است. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهند که در بین راهبردهای تحلیل محیطی، استراتژی مناسب جهت گذار از دولت رانتییر؛ راهبرد محافظه کارانه (ثبات سیاست‌های مالیات بر ارزش افزوده) می‌باشد. بنابراین، این راهبرد متضمن استفاده از نقاط فرصت‌ها در جهت کاهش تأثیر نقاط ضعف مانند: ایجاد وحدت رویه و شفاف‌سازی و رفع ابهام در اجرای سیاست‌های مالیات بر ارزش افزوده، افزایش اعتبارات اداره مالیات متناسب با اهداف و استراتژی‌های ارائه شده و ایجاد هماهنگی بین اداره مالیات و شرکت‌های نفتی می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست، دولت رانتییر، مالیات، مالیات بر ارزش افزوده، آنالیز SWOT.

۱- مقدمه

اکثر اندیشمندان و محققان اقتصاد سیاسی معتقدند که فرایند توسعه اقتصادی، سیاسی اغلب کشورهای صادرکننده نفت مانند کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تحت تأثیر درآمدهای نفتی قرار دارد [۳۲]. به صورت مشابه، ایران نیز به درآمد حاصل از فروش نفت در عرصه بین‌المللی متکی است و این درآمدها بخش زیادی نیز از درآمدهای خارجی دولت را تشکیل می‌دهد [۲۷]. این شرایط سبب شده است که پس از افزایش قیمت نفت و با کاهش نسبی قیمت آن، نظام سیاسی و اقتصادی این کشورها گرفتار شوک‌ها و اختلالات شدیدی شود [۶]. نتایج اکثر مطالعات تجربی در قرن بیستم نشان می‌دهد، که بر خلاف انتظار، وفور منابع در کشورهای نفتی خاورمیانه سبب کندی رشد اقتصادی آنها شده است. این پدیده که از آن به نفرین منابع نیز یاد می‌شود؛ سبب شده است که وابستگی کشورهای نفتی خاورمیانه به ویژه ایران در عرصه اقتصاد بین‌الملل از یک سو و تقابل امنیت ملی کشور با درآمدهای نفتی دولت افزایش یابد [۱]. بایستی ادغان نمود که چنانچه نفت را از اقتصاد ملی حذف کنیم؛ تمام ارکان حیات اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی ما به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند [۲۶]. این نکته نیز بایستی ذکر گردد که تزریق سرمایه به بخش‌هایی نظیر صنعت، واردات کالاهای اساسی، تأمین و دستیابی به تکنولوژی نوین

صنعتی و نظامی و تأمین انرژی داخلی به درآمدهای نفتی وابسته است. به عبارتی صریح‌تر، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و حتی از دیدگاهی فراتر امنیت و ثبات سیاسی کشورهای نفتی (به ویژه ایران) به صورت قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر درآمدهای نفتی می‌باشد [۱۸]. به این دولت‌ها که بخش اعظم درآمد خود را از راه صدور یک یا چند ماده خام (معمولاً منابع نفتی) به مؤسسات یا کشورهای خارجی به دست می‌آورد، دولت رانتییر گفته می‌شود [۱۳]. چهار ویژگی دولت رانتییر عبارتند از: (۱) درآمد غالب دولت از رانت به دست می‌آید. (۲) فعالیت‌های ایجادکننده رانت تنها از بخش اندکی از نیروی کار استفاده می‌کند؛ در حالی که بیشتر آن به توزیع و به کارگیری رانت مشغول می‌باشند. (۳) رانت به عنوان مهمترین منبع خارجی درآمد دولت محسوب می‌شود. (۴) دولت بزرگترین دریافت‌کننده رانت است [۳۹]. با توجه به اینکه در تحقیق حاضر به بررسی پدیده دولت رانتییر در ایران می‌پردازیم، در ادامه به بررسی آن در مقاطع زمانی مختلف پرداخته می‌شود. در حالت کلی، می‌توان درآمدهای نفتی ایران را در دو مقطع زمانی از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۲ (زمان شکل‌گیری تجارت نفت در ایران تا دوران ملی شدن صنعت نفت) و مقطع دوم از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ (سال‌های وابستگی رژیم پهلوی به درآمدهای نفتی و شکل‌گیری دولت رانتییر در ایران) مورد مطالعه قرار داد [۳۰]. در مقطع اول، فروش نفت ایران بر اساس قرارداد ۱۹۳۳ تا زمان ملی شدن صنعت نفت در اسفند ۱۳۲۹ (۱۹۵۰ میلادی) انجام شد. از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۵۷ (مقطع دوم) نیز طرح واگذاری استخراج نفت ایران به خارجی‌ها مطرح شد و سرانجام طی توافقی بین ایران، انگلستان و آمریکا، استخراج نفت ایران به مدت ۲۵ سال به کنسرسیومی بین‌المللی متشکل از شرکت نفت بریتانیا، پنج شرکت آمریکایی، شرکت هلندی رویال داچ شل و شرکت نفت فرانسه واگذار شد. با آغاز فعالیت کنسرسیوم، درآمد نفتی ایران سیری ثابت و رو به رشد یافت. این مسأله سرانجام سبب شد در سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰ و ابتدای دهه ۱۳۴۰ درآمدهای نفتی در جایگاه اصلی‌ترین منبع درآمد دولت قرار گیرد که در پی آن دولت رانتییر در ایران شکل گرفت [۱۱]. دلیل عمده افزایش درآمد نفتی ایران در این سال‌ها تا شوک نفتی اول در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳ میلادی) را می‌توان به تلاش‌های ملی برای افزایش حقوق ایران و نیز وابستگی بیشتر جهانی به سوخت پاکیزه نفت در مقابل زغال‌سنگ مربوط دانست [۲]. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رهبران در

سطوح مختلف تلاش فراوانی کردند تا به این روند خاتمه دهند، اما شرایط خاص بعد از انقلاب، جنگ داخلی و تجاوز خارجی این فرصت را از نظام سیاسی ایران سلب کرد و به همین رو با تأخیری ده ساله روند توسعه بومی ایران آغاز شد که اکنون نیز ادامه دارد [۱۲]. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هم اکنون شرایط دولت رانتی در نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. از طرفی دیگر، دولت‌ها بابت خدمات خود از مردم، مالیات اخذ می‌کنند. این مالیات، منابع مالی‌ای را برای انجام وظایف خود در اختیار دولت قرار می‌دهد. در اغلب کشورها، مالیات‌ها مهمترین منابع درآمدی دولت هستند. با این وجود، در کشور ما نیز از دیرباز مالیات‌ها سهم کمی از درآمدهای دولت را تشکیل داده‌اند. مهمترین دلیل، وجود منبع درآمد سهل‌الوصول نفت بوده که سیستم اقتصادی کشور را به سوی هدایت کرده است که مالیات‌ها در حاشیه قرار گرفته‌اند [۳۸]. همچنین تعامل دولت و مردم از طریق مالیات از شاخصه‌های مهم دموکراسی محسوب شده و اتکای بیش از حد دولت به درآمدهای نفتی سبب ایجاد اقتصاد رانتی و رانت‌جویی می‌شود که سبب گردیده تا دولت‌ها کارکرد مناسب خود را از دست داده و خود را با پیکره بیمار اقتصاد هماهنگ سازند [۲۶]. به نظر می‌رسد که ایران از اوایل دهه ۱۳۴۰ با اهمیت یافتن فاکتور نفت در درآمدهای بودجه‌ای دولت رفته رفته به جرگه حکومت‌های رانتی پیوسته باشد و در دهه ۱۳۵۰ با بروز شوک نفتی این وضع تثبیت شده است. این روند بر اقتدارگرایی دولت، برنامه‌های بلند پروازانه وی و بی‌توجهی به بحران‌های اجتماعی اقتصادی و سیاسی بالقوه و بالفعل تأثیر به‌سزایی داشته است [۳۴]. توسعه رانتیسم دولتی در ایران در عمل غفلت از چالش‌های پیش‌رو و انحراف از جهت‌گیری برنامه‌های توسعه‌ای پیش از انقلاب را در پی داشت. به‌طوری که در برنامه پنجم توسعه ایران از راه اصلی توسعه صنعتی منحرف شد و ساختار جدیدی پایه‌ریزی شد که همچنان به عنوان مانعی بر سر راه صنعتی شدن کشور خودنمایی می‌کند [۳۵]. اندیشمندان راه‌های متعددی برای برون رفت از اقتصاد رانتی در ایران پیشنهاد داده‌اند که عبارتند از: تفکیک مقوله نفت به عنوان سرمایه از نفت، کوچک کردن دولت، نهادینه‌سازی مالیات، گسترش صادرات غیرنفتی، جلوگیری از گنجینه کردن نقدینگی، جریان آزاد اطلاعات، ظرفیت‌های بدون استفاده و اصلاح الگوی مصرف، حذف یارانه‌ها، جلوگیری از آزادسازی یک‌باره و سریع اقتصاد، جلوگیری از تمایل به سمت اقتصاد چرخشی رانتی [۲۴]. در تحقیق حاضر از روش

نهادینه‌سازی مالیات به منظور مقابله با پدیده دولت رانتییر در ایران و گذار از آن بهره گرفته شده است. در این روش علاوه بر تقویت مشروعیت فرهنگی مالیات یا نهادی شدن فرهنگ مالیات، بایستی به اصلاح ساختار مالیاتی کشور توجه ویژه‌ای داشت [۱۴]. با اعمال اصلاح سیاست‌های مالیاتی، نقش دولت رانتییر در توزیع رانت در کشور کم‌رنگ‌تر شده و بنابراین نقش استخراج‌کننده اقتصادی آن قدرتمندتر خواهد شد که این نتیجه سبب گذار از دولت رانتییر می‌شود [۲۹]. با توجه به اینکه مالیات بر ارزش افزوده در دهه‌های اخیر مورد استقبال بیش از ۱۴۰ کشور جهان قرار گرفته است و همچنین از ارزش افزوده بنگاه‌ها در مراحل مختلف تولید و توزیع اخذ می‌شود؛ مزایای متعددی مانند پایین بودن نرخ مالیاتی، کاهش انگیزه فرار مالیاتی، خنثی بودن نسبت به متغیرهای اقتصادی دارد و به علاوه منبع قابل اعتماد و قدرتمندی برای درآمدزایی دولت می‌باشد [۲۲]. قابلیت انعطاف‌پذیری یکی دیگر از ویژگی‌های جذاب مالیات بر ارزش افزوده است که سبب می‌شود به عنوان یک راه‌حل برای فرایند گذار از دولت رانتییر و در نتیجه کاهش اتکای کشور به درآمدهای نفتی مورد استفاده قرار گیرد [۱۰]. حتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که اقتصاد آنها به شدت متکی به درآمدهای نفتی است، در سال‌های اخیر برای تعادل بخشی درآمدهای دولت‌هایشان به اجرای مالیات بر ارزش افزوده روی آورده‌اند. در همین راستا؛ در پژوهش حاضر به بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدات موجود در مالیات بر ارزش افزوده برای گذار از دولت رانتییر با رویکرد SWOT پرداخته می‌شود. سرانجام با توجه به یافته‌ها استراتژی مناسب را برای گذار از دولت رانتییر ارائه می‌نماییم.

۲- مبانی نظری

در ابتدا به بررسی پیشینه پژوهش و سپس به مطالعه در رابطه با دولت رانتییر و ارتباط آن با درآمدهای نفتی پرداخته می‌شود.

۲-۱- پیشینه تحقیق

الف) مطالعات داخلی

در این بخش مروری بر مبانی نظری دولت رانتییر و مفاهیم مرتبط با آن ارائه می‌دهیم. مبانی نظری دولت رانتییر در دهه ۱۹۷۰ و در ابتدا، در مباحث اندیشمندانی چون درباره ماهیت دولت‌های نفتی خاورمیانه مطرح شد [۴۰، ۴۵]. این نظریه‌پردازان با این استدلال که روندهای سیاسی و اقتصادی دولت مالیات گیرنده، متفاوت از روندهای مربوط به دولت رانتییر است، تأثیرات رانت‌خواری دولت را از حیث تأثیرگذاری بر ماهیت ساختار سیاسی و اقتدارگرا شدن آن بررسی کرده‌اند.

در مقاله‌ی خود تحت عنوان «الگوها و اهمیت توسعه اقتصادی در دولت‌های رانتییر با در نظر گرفتن دولت ایران»، دولت رانتییر یا تحصیلدار را به این صورت تعریف می‌نماید: دولت‌های رانتییر، دولت‌هایی هستند که به طور منظم میزان معینی از رانت خارجی را دریافت می‌نمایند [۴۷]. این رانت که منشاء آن بیرون از دایره اقتصاد داخلی است رانتی است که از سوی افراد خارجی، شرکت‌های بزرگ یا حکومت‌ها در اختیار افراد، شرکت‌های بزرگ یا حکومت در اختیار افراد، شرکت‌ها و حکومت‌های یک کشور خاص قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، درآمد کانال سوئز، حق عبور لوله نفت از یک کشور و نفت کشورهای صادرکننده نفت به عنوان رانت خارجی محسوب می‌شود. در این میان آنچه اهمیت دارد این است که درآمدهای رانتی نفتی حاصل فرایند تولید در اقتصاد داخلی نیست و عوامل اقتصاد داخلی کمتر در آن مؤثر هستند و در واقع عطیه‌ای خدادادی یا موهبتی طبیعی است. دولت در چنین حالتی، اساسی‌ترین نقش را در توزیع ثروت در میان مردم ایفا می‌نماید. نظریه‌پردازان به علت اهمیت ویژگی توزیعی اینگونه دولت‌ها را دولت‌های تخصیصی می‌نامند که در مقابل دولت‌های تولیدی قرار دارند [۴۷].

در مقاله‌ای تحت عنوان «دولت تحصیلدار در جهان عرب»؛ ویژگیهای یک دولت رانتی و تحصیلدار را به صورت زیر برمی‌شمارد: دولت رانتی به طور عمده به رانت خارجی وابسته است و در واقع در یک دولت تحصیلدار (رانت جو)؛ تنها اندکی به کار تولید مشغول هستند و اکثریت به امر توزیع یا استفاده از آن می‌پردازند؛ تولید ثروت دلیل تمام فعالیت‌ها است و استفاده از آن معلول به شمار می‌رود [۳۸]. به عنوان مثال، در

خصوص کشورهای تولید کننده نفت نقش درآمدهای نفتی به قدری است که علت اصلی دیگر فعالیت‌ها به شمار می‌رود. در دولت رانتی و اقتصاد رانتی، تولید ثروت به وسیله بخش کوچکی از جامعه انجام می‌گیرد و مابقی جامعه به کار توزیع و استفاده از ثروت مشغول هستند و از آنجایی که حکومت دریافت کننده اصلی رانت خارجی است تنها شمار اندکی از مردم بر رانت خارجی نظارت دارند. بیلای معتقد است که این اقتصاد نوعی روحیه رانت جویی ایجاد می‌کند. تفاوت اساسی روحیه رانت جویی با رفتار اقتصادی در این است که در رابطه علت و معلولی (کار و تلاش) خلل ایجاد می‌کند [۴۰].

در مقاله بازتولید ساختار رانتی در ایران [۲۶]، نیز رانت را به مثابه اقتصادی، درآمدی می‌داند که بدون زحمت و تلاش یدی به دست می‌آید؛ در واقع رانت به درآمدهایی اطلاق می‌شود که دولت از منابع خارجی (مانند فروش منابع زیرزمینی و دریافت کمک از بیگانگان) به دست می‌آورد، این درآمدها هیچ ارتباطی با درآمدهای تولید اقتصاد داخلی ندارند. نمونه بارز این نوع درآمدها ناشی از درآمد فروش نفت، آهن، آلومینیوم، مس و غیره است که البته در شمال آفریقا و خاورمیانه، رانت محدود به درآمدهای نفت و گاز است. وی معتقد است که برخلاف اقتصاد تولیدی که ثروت نتیجه کار و تلاش است، ثروت ناشی از تصادف، شانسی، روابط فامیلی و نزدیکی به منابع قدرت است [۲۶].

دولتهایی که دارای ویژگیهای مذکور باشند و همچنین شیوه خاصی در سیاست و حکومت دارند به عنوان رانتییرسم در نظر می‌گیرد. این دولت‌ها دو ویژگی عمده دارند: ۱) رانت توسط نخبگان حاکم کنترل می‌شود. ۲) نخبگان از رانت دریافتی برای جلب همکاری و کنترل جامعه و در نتیجه حفظ ثبات سیاسی دولت استفاده می‌کند [۴۱].

ب) مطالعات خارجی

مقاله‌ای با عنوان حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده: چالش‌ها، موانع، راهکارها و تجارب جهانی مرتبط ارائه داده‌اند [۳۷]. در اغلب کشورها، مالیات‌ها مهمترین منابع درآمدی دولت هستند. در کشور ما از دیرباز مالیات‌ها سهم کمی از درآمدهای دولت را تأمین نموده‌اند. شاید مهمترین دلیل، وجود منبع درآمد سهل‌الوصول نفت بوده و سیستم اقتصادی کشور را به سوی هدایت کرده است که مالیات‌ها در حاشیه قرار گرفته‌اند. نظام مالیات بر ارزش افزوده یکی از انواع مالیات‌های غیرمستقیم است که

به دلیل ویژگی‌های خاص آن مانند کارایی و درآمدزایی بالا ماهیت خودتنظیمی و شفافیت آن محبوبیت یافته و امروزه در ۱۶۰ کشور جهان در حال اجراست و مزیت‌های رقابتی بسیاری برای نظام‌های اقتصادی در پی داشته است. با توجه به اینکه مالیات بر ارزش افزوده، (۱) درآمد مالیاتی مستمری را برای دولت به وجود می‌آورد، (۲) منجر به شفاف شدن جریان مبادلات اقتصادی و کاهش حجم اقتصاد زیر زمینی می‌گردد و (۳) در مقایسه با سایر مالیات‌ها آثار سوء تخصیصی کمتری دارد، انتظار می‌رود که قانون مالیات بر ارزش افزوده به طور کامل اجرا شود و موانعی که پیش روی آن وجود دارد، به تدریج و با ایجاد اعتماد میان مؤدیان مرتفع شود. یکی مهمترین مشکلاتی که به نظر می‌رسد فراروی اجرای این قانون وجود داشته باشد، حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده است. به منظور شفاف‌سازی هر چه بیشتر مبادلات اقتصادی و کاهش فرار مالیاتی و جلوگیری از سوء نیت برخی از مؤدیان مالیاتی وجود یک نظام کنترل و حسابرسی دقیق برای ایفای مسئولیت پاسخگویی مؤدیان این نظام مالیاتی ضروری خواهد بود. در این مقاله بررسی نقش و اهمیت حسابرسی در اجرای مالیات بر ارزش افزوده در ایران می‌باشد. وجود یک نظام حسابداری و حسابرسی مناسب به عنوان شرط لازم برای اجرای موفقیت‌آمیز مالیات بر ارزش افزوده در کشور تلقی می‌شود [۳۷].

مقاله‌ای با عنوان تأثیر مالیات بر ارزش افزوده و نقش آن بر درآمدهای کشور ارائه داده‌اند [۲۸]. آن‌ها به مقایسه بلوک شرق و غرب از نظر معقول بودن توزیع درآمد و توسعه اقتصادی پرداختند و مدعی شدند که تعارض میان معقولات توزیع درآمد و توسعه اقتصادی زمانی بالا گرفت که بلوک شرق خود را پرچم‌دار طبقات محروم و لذا پیشگام در توزیع عادلانه درآمد و بالاخص تجدید توزیع درآمد و به زیان سرمایه‌داران و مالکان معرفی کرد و بلوک غرب در سوی دیگر خود را منادی توسعه اقتصادی و رفاه نامید. آنها همچنین با مطالعه تجارب کشورهای در حال توسعه نتیجه گرفته‌اند که می‌توان با بهبود سیاست‌های مالیاتی در مسیر تحقق عدالت اجتماعی، بهبود در بازدهی نیروی کار و نهایتاً تأمین مالی سیاست‌های توسعه اقتصادی دولت گام برداشت [۲۸].

مقاله‌ای با عنوان تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط را ارائه داده‌اند [۳۶]. هدف این مقاله، بررسی میزان تأثیرگذاری

مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب با درآمد متوسط است. یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران مالیاتی به کارگیری نظام مالیات بر ارزش افزوده، با توجه به آثار تنازلی این نوع مالیات است. از آنجایی که مالیات بر ارزش افزوده عمدتاً با نرخ یکسان بر عموم کالاها و خدمات صرف‌نظر از کشف قیمتی و درآمدی تقاضای آنها وضع می‌شود، می‌تواند موجب انتقال بار مالیاتی به مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات شود. این موضوع با اصول عدالت مالیاتی سازگار نبوده و در صورتی که به نحو مناسبی خنثی نشود، می‌تواند موجبات تعمیق بی‌اعتمادی و شکاف میان عموم مؤدیان مالیاتی و دولت را فراهم آورد و آن‌ها را به مالیات‌گریزی تشویق کند. نتایج حاصل از برآورد مدل با استفاده از روش اثرات ثابت و گشتاورهای تعمیم یافته در گروه کشورهای منتخب با درآمد متوسط در دو دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۵ نشان می‌دهد که مالیات بر ارزش افزوده تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد دارد. به طوری که با افزایش مالیات بر ارزش افزوده، ضریب جینی افزایش یافته و نابرابری بیشتر می‌شود [۳۶]. مقاله‌ای با عنوان برآورد درآمد مالیاتی ناشی از اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده در ایران را ارائه داده‌اند [۲۳]. دلیل اصلی توجه به مالیات بر ارزش افزوده در گسترش پایه مالیاتی و افزایش ظرفیت درآمدهای مالیاتی می‌باشد. با توجه به اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده در ایران از سال ۱۳۸۷، در این تحقیق درآمد مالیاتی ناشی از اجرای این قانون بر اساس روش جدول داده-ستانده و روش تولید برآورد گردیده است. بر اساس نتایج حاصله از این تحقیق، پایه مالیات بر ارزش افزوده بر اساس قانون مصوب سال ۱۳۸۷ حدود ۴۴ درصد تولید ناخالص داخلی کشور می‌باشد که با توجه به نرخ مصوب ۱/۵ درصد، درآمد بالقوه مالیات بر ارزش افزوده حدود ۶۷/۰ درصد از GDP کشور خواهد بود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اجرای کامل مالیات بر ارزش افزوده با نرخ ۱/۵ درصد تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کاهش کسری تراز عملیاتی بودجه دولت ندارد و چنانچه بخواهیم تنها با اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، کسری مذکور را برطرف نماییم می‌بایست نرخ مالیات بر ارزش افزوده نیز افزایش یابد [۲۳].

۲-۲- دولت رانتییر و درآمدهای نفتی

واژه رانت یا رانتییر از جمله آدام اسمیت، دیوید ریکارد، و کارل مارکس در قرن نوزدهم میلادی، وارد ادبیات اقتصادی جهان گردید. ولی پس از جنگ جهانی دوم، اندیشمندانی مثل فیلیپ راوکینز، دیوید پیرس، حازم ببلای و جیاکومو لوسیانی این واژه را برای تبیین ماهیت تعدادی از دولت‌ها به خصوص دولت‌های خاورمیانه، که اقتصاد تک محصولی ناشی از فروش نفت داشته‌اند، به کار برده‌اند [۳]. زمانی که دولت کنترل بخش اعظم ثروت موجود در جامعه (درآمدهای نفتی) را در اختیار می‌گیرد، زمینه کنترل منابع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه را نیز به دست می‌آورد. این فرایند تمرکز منابع قدرت در دست دولت، از توزیع آن در سطح جامعه و قدرت‌یابی گروه‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. در چنین فضایی امکان توسعه سیاسی و باز شدن فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی بر سر قدرت و در نهایت توسعه سیاسی و استقرار دموکراسی از جامعه سلب می‌شود [۳۳]. پیامد دیگری که تسلط دولت رانتییر بر درآمدهای نفتی ایجاد می‌شود، تضعیف توان استخراجی و بازتوزیعی دولت است [۱۸]. در ادبیات سیاسی در زمینه نظریات مبتنی بر کارکردگرایی، نظام سیاسی به عنوان یکی از خرده نظام‌های اجتماعی، کار ویژه و معین را برعهده دارد که از جمله آنها استخراج منابع از داخل جامعه و توزیع مجدد آن‌ها است. به همین دلیل، یکی از معیارهای عمده سنجش میزان کارایی یک نظام سیاسی، بررسی توان استخراج و توزیع مجدد منابع در داخل جامعه است. دولت‌های رانتییر نه تنها در زمینه توان به پاسخگویی به جامعه ناتوان هستند بلکه در خصوص استخراج و بازتوزیع صحیح منابع در داخل جامعه نیز ناکارآمد هستند. بنابراین دولت عملاً فقط به توزیع‌کننده رانت در جامعه تبدیل می‌شود [۱۹]. دولت در چنین شرایطی، اساسی‌ترین نقش را در توزیع ثروت در میان مردم ایفا می‌نماید. این دولت همان دولت رانتییر است که نظریه‌پردازان به دلیل اهمیت ویژگی توزیعی آنها، به آنها لقب دولت تخصیصی داده و آنها را در مقابل دولت‌های تولیدی قرار می‌دهند [۱۷].

اساساً هر فعالیت رانت‌جویانه‌ای به عنوان فعالیت‌هایی غیرمولد و غیراقتصادی شناخته شده و روی آوردن افراد و دولت‌ها به این فعالیت‌ها به زیان فعالیت‌های مولد خواهد شد و بخشی از سرمایه‌های جامعه را نیز در مسیر نادرست به هدر می‌دهد.

تجربه‌های حاضر در زمینه دولت‌های رانتییر نشان‌دهنده این است که اینگونه دولت‌ها، معمولاً برای پاسخگویی به نیازهای فزاینده جامعه، ساده‌ترین و راحت‌ترین کار را در پیش گرفته و با واردات گسترده، مواد و کالاهای موردنیاز مردم را تأمین می‌نمایند. با افزایش روحیه مصرف‌گرایی در جامعه، تولیدکنندگان داخلی نیز دچار ورشکستگی می‌شوند و در نهایت دولت مجبور می‌شود برای استخراج رانت از طبقه ثروت جامعه اقدام با واردات زیاد کالاهای لوکس و گرانبه نماید که این سیاست به نوبه خود سبب افزایش فاصله طبقاتی در جامعه می‌شود [۲۶]. همچنین می‌توان پیامد پدیده رانت‌جویی در دولت را از نظر اجتماعی، اقتصادی و ... دسته‌بندی نمود که در تحقیق حاضر به حیطه اقتصادی آن پرداخته می‌شود.

رانت در علم اقتصاد سیاسی به معنای تحصیلدار، توزیعی، تخصیصی، و بهره‌بردار آمده است و به درآمدی گفته می‌شود که بدون زحمت و تلاش یدی یا فکری به دست می‌آید. به عبارت بهتر، رانت به درآمدهایی گفته می‌شود که هر دولت از راه فروش و صادرات منابع زیرزمینی و خدادادی به خارج به دست می‌آورد. این درآمدها با فعالیت‌های تولیدی اقتصاد داخلی ارتباط ندارند. این امر بدان معناست که رانت و دولتی که بر پایه رانت استوار باشد، می‌تواند جامعه را به سمت توده‌ای مصرف‌گرا و بدون هرگونه خلاقیتی سوق دهد. بنابراین برای رهایی از رانت، نخستین گام، عبور از اقتصاد نفتی است. قطعاً عبور از اقتصاد نفتی مستلزم جایگزینی درآمدهای حاصل از نفت با درآمدی مناسب است، به نوعی که هم بتواند، بودجه مورد نیاز دولت را تأمین نماید و هم مبتنی بر رانت نباشد. کسب درآمد از طریق مالیات می‌تواند، راهکاری مناسب برای عبور از اقتصاد نفتی است. دولتی که اراده‌اش بر عبور از رانتی بودن اقتصاد قرار گرفته باشد، می‌تواند با استعانت از اقتصاد مالیاتی، شاهرهای برای حرکت به سوی اقتصادی پویا و به دور از رانت، بگشاید.

عمده‌ترین ویژگی‌های دولت رانتییر را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

الف) دولت انحصار دریافت رانت را در دست دارد.

ب) در دولت‌های رانتییر علاوه بر انحصار دریافت رانت، هزینه کردن رانت‌ها نیز در دست دولت است. از این رو دولت تبدیل به مؤسسه توزیع درآمدهای حاصل از مواهب الهی یا اصلی‌ترین نهاد سرمایه‌گذار و اشتغال‌زا می‌شود.

ج) دولت‌های رانتییر گرچه شماییلی دموکراتیک داشته باشند، لیکن غیردموکراتیک به شمار می‌روند.

د) دولت تحصیلدار توسط رانت‌های پرداختی، درصد جلب حمایت نخبگان و گروه‌های رقیب برای حفظ قدرت انحصاری خویش برمی‌آید. در اقتصادهای مبتنی بر رانت، معیار تحرک اجتماعی و کسب موقعیت اجتماعی بالاتر، نزدیکی به منابعی است که انحصار رانت را در اختیار دارد.

۲-۳- دولت رانتییر در ایران

از نظر تاریخی، نخستین چاه نفت در ایران در سال ۱۲۸۷ در مسجد سلیمان به بهره‌برداری رسید. با این وجود، آثار سیاسی و اجتماعی استخراج نفت تا سال‌ها در ایران آشکار نشد [۲۰]. همچنین، رضاشاه نخستین فردی بود که در دوران او درآمدهای نفتی دولت افزایش پیدا کرده و این درآمد صرف طرح‌های توسعه و نوسازی کشور می‌شد. نکته قابل تأمل دیگری که بایستی ذکر گردد این است که قبل از به قدرت رسیدن رضاشاه به دلیل فقدان قدرت مرکزی، درصدی از درآمدهای نفتی دولت به عنوان حق محافظت به ایلات و عشایر پرداخت می‌گردیده اما با سرکوب شدن آنها، این درآمدها نیز به دولت بازگردانده شدند. با این وجود درآمد دولت ایران از منابع نفتی در عصر قاجار و پهلوی اول به حدی پایین بود که نمی‌توانست مهمترین منبع درآمد دولت باشد [۲۴]. ولی درآمدهای نفتی ایران با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و آغاز فعالیت کنسرسیوم درآمد نفتی ایران رو به فزونی یافت. این مسئله سرانجام سبب تشکیل پدیده دولت رانتییر در سال‌های پایانی ۱۳۳۰ و ابتدای دهه ۱۳۴۰ در ایران شد [۳۰]. دولت رانتییر به دولتی گفته می‌شود که بخش اعظم درآمدهای خود را از طریق صدور یک یا چند ماده خام به مؤسسات یا کشورهای خارجی به دست می‌آورد. حازم ببللوی در این زمینه از سهم حداقل ۴۲ درصدی این درآمد در درآمدهای دولت ایران سخن گفته است. با این وجود، همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، نه تنها نمی‌توان دوره قاجار و دوران پهلوی اول را که در مقطع زمانی از سال ۱۲۹۱ شروع و تا ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۲ ادامه می‌یابد را دولت رانتییر تصور نمود بلکه در این دوره به شیوه بهینه‌ای از درآمدهای نفتی برای توسعه و شکوفایی کشور بهره گرفته شد. در این دوره، درآمدهای نفتی تا سطح ۳۳ درصد از درآمدهای دولت را

شامل می‌شد که در آن زمان سهم زیادی را نسبت به سایر درآمدهای دولت داشت، هرچند سبب شکل‌گیری دولت رانتییر در ایران نشد [۴۱]. با کودتای ۲۸ مرداد و پس از آن ورود کنسرسیوم به صنعت نفت ایران؛ عملاً بسیاری از اهداف نهضت ملی شدن صنعت نفت از بین رفت، اما تولید و عرضه نفت ایران به کنسرسیومی واگذار شد که ۵۰ درصد از خالص دریافتی‌های خود را به دولت ایران پرداخت می‌نمود. با توجه به سیر صعودی قیمت نفت و افزایش تقاضا برای آن در سطح جهانی، تا به امروز نقش آن در درآمدهای دولت تثبیت شده است. در سال ۱۳۲۸ دولت برای بهره‌بردن از درآمدهای نفتی به منظور توسعه و پیشرفت کشور، نخستین برنامه توسعه در کشور را تصویب کرد. اما متأسفانه، به دلیل قطع درآمدهای نفتی در طی سال‌های نهضت ملی شدن صنعت نفت، این برنامه اجرایی نشد [۲۴]. در سال ۱۳۲۷، سازمانی با عنوان سازمان برنامه تشکیل شد که ۶۴/۵ درصد از منابع اجرای آن از درآمدهای نفتی تأمین می‌شد. بنابراین در این دوره دولت ایران به سمت رانتی شدن حرکت کرده و از این زمان به بعد نفت علاوه بر اینکه همواره سهمی بیش از ۴۰ درصد را در درآمدهای دولت ایران داشته به عنوان یک متغیر نظام اقتصادی و سیاسی ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است [۹].

۲-۴- مالیات

طبق تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)؛ مالیات به صورت پرداختی الزامی و بلاعوض تعریف شده است [۴۸]. مالیات ممکن است به شخص، مؤسسه، دارایی و غیره تعلق گیرد. چنین تعریفی پرداخت‌های تأمین اجتماعی را هم در برمی‌گیرد، حال آن‌که بر حسب مقررات و عرف مالیاتی ایران اصطلاح مالیات پرداخت‌های یاد شده را شامل نمی‌گردد. بنابراین، مالیات در واقع اساس عملیاتی مالی بوده که جهت ثبت و ضبط و عملیات بعدی اداری نظیر انتقالات و ترهین انجام می‌شده است. حکومت براساس بضاعت خود مستندات را در بایگانی نگهداری می‌کرده و آن‌ها را به صورت انفرادی در خواست مشتری را بررسی و اجرا می‌کرده است. وجوهاتی که بابت دستمزد گرفته می‌شد خود مواردی داشت از قبیل صلاحیت حرفه‌ای، عدم یکنواختی دریافت‌ها و سایر موارد سیاسی که باعث شد دولت‌ها این مسئولیت را برعهده بگیرند. امروزه در بعضی از کشورهای پیشرفته از نظر اقتصادی؛

ابتدا مالیات از مردم اخذ شده و سپس خدمات ارائه می‌کنند. به عبارت دیگر، مالیات به مثابه یک نوع هزینه اجتماعی است که آحاد یک ملت در راستای بهره‌برداری از امکانات و منابع یک کشور موظفند آن را پرداخت نمایند تا توانایی‌های جایگزینی این امکانات و منابع فراهم شود [۴]. مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می‌گردد زیرا ابزار و امکانات دستیابی به درآمد و سودها را دولت فراهم ساخته است. اقتصاددانان معمولاً از مالیات بر مصرف در مقابل مالیات بر درآمد حمایت می‌کنند، به عنوان مثال مالیات مصرفی اعمال شده بر روی سیگار نسبت به مالیات مصرف گازوئیل؛ بالاتر است. بر اساس گزارشی که بنیاد خیریه بلومبرگ به تازگی توسط رویترز منتشر کرده است، صنعت تنباکو ۱۰ درصد درآمدهای مالیاتی چین را به خود اختصاص داده، شرکت‌های دخانیات مانند فیلیپ موریس حدود ۶ میلیون اندونزیایی را تحت استخدام دارند و به تنهایی بیش از شش میلیارد دلار مالیات غیرمستقیم به صندوق دولت می‌پردازد. دولت‌ها نیز برای جبران هزینه‌های خدماتی که به شهروندان ارائه می‌دهند؛ از مردم مالیات اخذ می‌کنند که البته این کار می‌تواند با هدف جلوگیری از ازدیاد نقدینگی انجام شود. به طور کلی، سیاستگذاری مالیاتی^۲ به عنوان زیر مجموعه سیاستگذاری اقتصادی و مالی دولت، چارچوب برنامه کاری سازمان وصول‌کننده مالیات، راهبردها و فرایندهای عملیاتی و در نهایت خروجی‌های آن را تعیین می‌کند. سیاستگذاری مالیاتی، تصمیم‌گیری درباره نحوه تأمین مالی خدمات عمومی است. سیاستگذاری مالیاتی، در شکل سنتی خود بر افزایش درآمد و ثبات و پیش‌بینی‌پذیری آن متمرکز است. ولی امروزه سیاستگذاری در عرصه مالیات، از حالت سنتی فاصله گرفته و در کنار توجه به هزینه‌های تمکینی و مدیریتی، بر ارزیابی تأثیر مالیات‌ها بر کارایی، عدالت، مشوق‌ها و رقابت‌پذیری نیز تأکید دارد. به عبارت دیگر، سیاستگذاری مالیاتی باید با لحاظ شرایط روز اقتصاد کشورها، به گونه‌ای باشد که سطح اشتغال، وضع تولید و میزان سرمایه‌گذاری را جهت داده و به مسیر درست هدایت کند. سیاستگذاری‌های کوتاه مدت برای اخذ مالیات بیشتر، مناسب دوران رونق است اما در ایام رکود و کساد، کاهش کارشناسی میزان مالیات دریافتی و بخشودگی‌های مالیاتی در اولویت قرار می‌گیرد تا انگیزه‌ای برای افزایش سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال باشد [۱۵].

۲-۵- نظام مالیات بر ارزش افزوده

مالیات بر ارزش افزوده در مقایسه با سایر مالیات‌های مرسوم یک مالیات جدید است که با تلاش اقتصاددانان برای رفع یا کاهش اختلال یا نارسایی در شیوه اخذ مالیات‌های سنتی و نیز افزایش درآمد دولت‌ها شکل گرفت. ایده اولیه این مالیات نخستین بار در سال ۱۹۱۸ توسط یک بازرگان آلمانی به نام فون زیمنس مطرح گردید. پس از مطرح شدن ایده اولیه این مالیات در ۱۹۱۸ در دهه ۱۹۲۰، مطالعات در این زمینه ارائه شد که مهمترین آنها پژوهش‌های موریس لوره بود که به پدر مالیات بر ارزش افزوده شهرت دارد. گسترش این سیستم یکی از مهمترین توسعه‌های مالیاتی و بی‌شک یکی از جدال برانگیزترین مباحث اواخر قرن ۲۰ است، اما مالیات بر ارزش افزوده برای نخستین بار در فرانسه و در سال ۱۹۴۸ اجرا شد. این مالیات پس از اصلاح سیستم مالیات بر فروش تحت عنوان مالیات بر ارزش افزوده از نوع مصرف اعمال شد. با وجود اینکه شورای اتحادیه اقتصادی اروپا اجرای مالیات بر ارزش افزوده را از سال ۱۹۶۲ به کشورهای عضو خود توصیه می‌کرد، برزیل اولین کشوری بود که به طور جامع برای نخستین بار در سال ۱۹۶۸؛ مالیات بر ارزش افزوده را پیاده‌سازی نمود. البته این اتحادیه بعدها برای هماهنگ‌سازی سیستم‌های مالیاتی و حمایت از تجارت، تمام اعضای خود را ملزم کرد که از تاریخ اول ژانویه ۱۹۷۰ این سیستم را در کشورهای خود اجرا نمایند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا از جمله فرانسه، آلمان، بلژیک، هلند، دانمارک، نروژ و سوئد به ترتیب بیشترین منبع درآمدی را از اجرای این سیستم کسب کردند. اگرچه این نوع مالیات در دهه ۷۰ رشد خاصی نداشت اما در نیمه دوم دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به اوج رسید تا جایی که در دو دهه پایانی قرن ۲۰ سریع‌ترین رشد را در کشورهای جهان داشت. در واقع، مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات بر فروش چند مرحله‌ای است که در مراحل مختلف زنجیره واردات، تولید، توزیع بر اساس درصدی از ارزش کالاهای فروخته شده یا خدمات ارائه شده در هر مرحله اخذ می‌شود، اما مالیات پرداختی در هر مرحله از زنجیره واردات-تولید-توزیع به عنصر مرحله بعدی زنجیره انتقال می‌یابد تا سرانجام توسط مصرف‌کننده نهایی پرداخت گردد [۷].

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. توصیفی به دلیل اینکه شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. تحلیلی بودن تحقیق به این علت است که در آن جهت شناسایی و اهمیت متغیرهای مالیات بر ارزش افزوده و آنالیز سوات؛ مجموعه‌ای از فرصت‌ها، تهدیدها، قوت و ضعف مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. جامعه آماری تحقیق نیز شامل ۱۰۰ نفر از کارشناسان خبره در زمینه مالیات بر ارزش افزوده و مباحث دولت رانتییر می‌باشند. روش نمونه‌برداری به صورت تمام شمارشی (سرشماری) می‌باشد. با انتخاب جامعه نمونه، وظیفه شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید با استفاده از روش محتوایی دلفی انجام شده است. با این روش، روایی پرسشنامه SWOT نیز اثبات می‌شود.

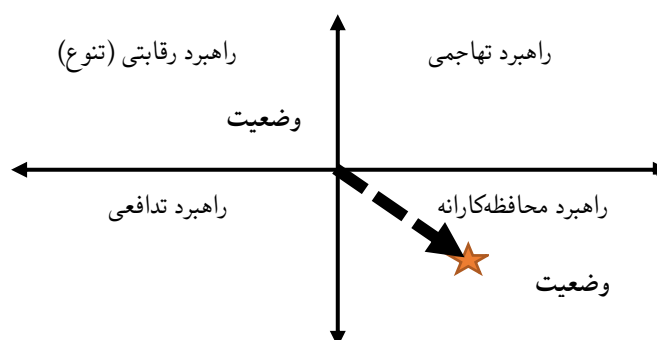
۴- یافته‌های پژوهش

در این بخش برای رتبه‌بندی نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید سیاست مالیات بر ارزش افزوده، از آزمون فریدمن^۳ استفاده می‌نماییم. البته باید توجه داشت که آزمون‌های دیگری نیز وجود دارند مثل آزمون آزمون t تک نمونه، آزمون t وابسته، آزمون t دو نمونه مستقل، آزمون t ولچ، آزمون t هتلینگ، تحلیل واریانس چندعاملی و تحلیل کوواریانس چندعاملی، لیکن به دلیل خاصیت پارامتریک بودن این آزمون‌ها، در این پژوهش از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده می‌شود. در این آزمون، مشخص شد در ارتباط با عوامل درونی، رتبه مربوط به نقاط ضعف بالاتر از نقاط قوت سیاست مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد. همچنین در ارتباط با عوامل بیرونی مشاهده می‌شود که تهدیدات سیاست مالیات بر ارزش افزوده دارای رتبه و میانگین پایین‌تری نسبت به فرصت‌های سیاست مالیات بر ارزش افزوده قرار دارد. به علاوه، همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معنادار به دست آمده (۰/۰۰۱) در آزمون رتبه‌ای فریدمن، چهار عامل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها رتبه‌های یکسانی ندارند. همچنین در این آزمون مشخص شد که در ارتباط با عوامل درونی، رتبه مربوط به نقاط ضعف بالاتر از نقاط قوت سیاست مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد. سرانجام

در نتیجه این استراتژی‌ها، تجزیه و تحلیل مدل SWOT، در موقعیت استراتژی محافظه کارانه WO، قرار می‌گیرد (شکل ۱). نتایج جدول ۲ نیز نشان می‌دهند که عدم شفافیت‌سازی قراردادهای نفتی و ایجاد چارچوب قانونی برای اطمینان از تطابق مالیات بر ارزش افزوده با درآمدهای نفتی به ترتیب مهمترین نقاط ضعف و قوت در زمینه سیاست‌های مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد. همچنین در زمینه تحلیل عوامل خارجی، گسترش مالیات بر ارزش افزوده به تمام مراحل زنجیره تولید و توزیع تا مرحله خرده‌فروشی و اعمال مالیات بر ارزش افزوده بر صادرات محصولات نفتی و همچنین معافیت کالاهای داخلی از توافق‌نامه تجارت ترجیحی از مالیات بر افزوده و واگرایی استانداردهای مالیاتی از استانداردهای بین‌المللی که موجب تضعیف رقابت در بازارهای جهانی به ترتیب از مهمترین فرصت‌ها و تهدیدهای گذار از دولت رانتییر با استفاده از مالیات بر ارزش افزوده تعیین می‌شود.

جدول ۱- نتایج آزمون رتبه‌ای فریدمن در تحلیل SWOT تأثیر سیاست مالیات بر ارزش افزوده در گذار از دولت رانتییر.

P-value	t	آماره	میانگین رتبه‌ها	میانگین	تحلیل SWOT	ساختار مالیات
		۱,۴۰۳	۲,۰۵	۳,۱۵	نقاط قوت	
۰,۰۰۱		۲,۲۵۰	۲,۳۹	۳,۶۴	نقاط ضعف	مالیات بر ارزش افزوده
		۳,۳۷۱	۲,۸۷	۳,۴۹	فرصت‌ها	
		۳,۳۷۱	۲,۶۲	۳,۳۶	تهدیدها	



شکل ۱- موقعیت راهبردی (عوامل داخلی و خارجی) سیاست‌های مبتنی بر مالیات بر ارزش افزوده در فرایند گذار از دولت رانتییر.

جدول ۲- رتبه‌بندی عوامل درونی سیاست مالیات بر ارزش افزوده در گذار از دولت رانتییر.

عوامل درونی	کد	نقاط قوت و ضعف سیاست مالیات بر ارزش افزوده در گذار از دولت رانتییر	میانگین رتبه‌ها
نقاط قوت	S ₁	ایجاد چارچوب قانونی برای اطمینان از تطابق مالیات بر ارزش افزوده با درآمدهای نفتی	۴,۷۱
	S ₂	نقش دولت به عنوان تسهیل کننده و ارائه دهنده پایگاه داده اطلاعات در مورد مالیات بر ارزش افزوده	۳,۶۱
	S ₃	استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته برای عدم وابستگی به درآمدهای نفتی	۳,۴۳
	S ₄	علمی و کارآمد بودن مباحث مالیات بر ارزش افزوده	۲,۵۲
	S ₅	عدم ایجاد تداخل نظام مالیات بر ارزش افزوده بر روی مصرف، تولید و یا پس انداز	۱,۷۴
	S ₆	کارکرد مثبت و سازنده سیاست مالیات بر ارزش افزوده بر تولید داخلی	۲,۳۸
نقاط ضعف	W ₁	عدم شفافیت‌سازی قراردادهای نفتی	۱۰/۸
	W ₂	عدم تطابق درآمدهای نفتی دولت با مالیات بر ارزش افزوده	۱۰/۰۶
	W ₃	مقاومت شرکت‌های نفتی در برابر شفاف‌سازی	۱۰/۰۲
	W ₄	فقدان استانداردهای مهندسی در حوزه نفت منطبق با استانداردهای بین‌المللی	۹/۸۶
	W ₅	نبود قوانین و هنجارهای برای نظارت و کنترل برای بهره‌برداری از منابع نفتی	۹/۵۴
	W ₆	عدم تطابق میزان منابع نفتی کشور با سرمایه‌گذاری در صنایع نفتی	۹/۲۵
	W ₇	سادگی سیاست مالیات بر ارزش افزوده	۸/۵۲
	W ₈	نقش سیاست مالیات بر ارزش افزوده در گسترش عدالت	۸/۳۴
	W ₉	تأثیر سیاست مالیات بر ارزش افزوده در کاهش تقاضا	۸/۶۴

جدول ۳- رتبه‌بندی عوامل خارجی سیاست مالیات بر ارزش افزوده در گذار از دولت رانتییر.

رتبه‌ها	میانگین	عوامل خارجی	کد	نقاط قوت و ضعف سیاست مالیات بر ارزش افزوده در گذار از دولت رانتییر
۳/۷۱		فرصت‌ها	O ₁	دوره گذار در چارچوب توافق‌نامه‌های تجاری ترجیحی با WTO
۳/۶۱			O ₂	توسعه بیشتر چارچوب قانون‌گذاری در زمینه مالیات بر ارزش افزوده
۳/۴۳			O ₃	توسعه ایدئولوژی مدیریت منابع نفتی
۲/۵۲			O ₄	استفاده از فناوری‌های جدید در استخراج نفت
۶/۷۴			O ₅	گسترش مالیات بر ارزش افزوده به تمام مراحل زنجیره تولید و توزیع تا مرحله خرده فروشی
۴/۷۸			O ₆	اعمال مالیات بر ارزش افزوده بر صادرات محصولات نفتی
۵/۸		تهدیدها	T ₁	معافیت کالاهای داخلی از توافق‌نامه تجارت ترجیحی از مالیات بر ارزش افزوده
۴/۳۲			T ₂	واگرایی استانداردهای مالیاتی از استانداردهای بین‌المللی که موجب تضعیف رقابت در بازارهای جهانی می‌شود.
۴/۱۴			T ₃	ناپیوستگی سیاست‌های نفتی دولت
۴/۰۵۴			T ₄	پیشرفت تکنولوژی کشورهای پیشرو در محصولات انرژی تجدیدپذیر و در نتیجه کاهش قیمت محصولات نفتی
۳/۴۷			T ₅	عدم شمول پایه گسترده مصرف در سیاست‌های مالیات بر ارزش افزوده

۵- بحث و نتیجه‌گیری

نفت یکی از ثروت‌های عظیم خدادادی است که می‌تواند در شکوفایی اقتصاد کشورها تأثیرات به‌سزایی داشته باشد، لیکن این تأثیرات منوط به بهره‌برداری درست و هوشمندانه از این منابع است. چنانچه مدیریت منابع نفتی هوشمندانه و مدبرانه صورت نگیرد، نه تنها به شکوفایی اقتصادی منجر نمی‌شود بلکه حاصلی جز اقتصاد رانتییر به دنبال نخواهد داشت. در آن دسته از کشورهای جهان صنعتی که صاحب نفت هستند، از این ماده گران‌بها در راستای پیشرفت و توسعه صنعتی و اقتصادی

استفاده می‌کنند و این امر محقق نمی‌شود مگر با قطع وابستگی اقتصادی کشور به نفت. زیرا هر چند اقتصاد یک کشور به نفت وابسته باشد، به شدت تحت تأثیر تحولات اقتصادی بین‌المللی قرار گرفته و کشورهای قدرتمند اقتصادی از اقتصاد وابسته به نفت کشورهای ضعیف به عنوان اهرم فشار برای وادار نمودن آنها به اجرای خواسته‌هایشان، استفاده می‌کنند. برعکس در کشورهای در حال توسعه، اقتصاد کشور به شدت وابسته به نفت است و چنانچه به هر دلیل در استخراج و صادرات نفت با مشکل مواجه شوند، اقتصادشان فلج شده و با مخاطرات فراوانی روبرو می‌شود. بنابراین هرچند نفت موجب شکوفایی اقتصادی می‌شود لیکن وابستگی اقتصاد به نفت و اقتصاد تک محصولی نه تنها شکوفایی منجر نمی‌شود بلکه اقتصادی بیمار و رانتییر را به دنبال دارد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که رتبه عوامل درونی مربوط به نقاط ضعف بالاتر از نقاط قوت سیاست‌های مالیات بر ارزش افزوده به منظور گذار از دولت رانتییر در ایران می‌باشد. همچنین در مورد عوامل خارجی نیز مشاهده می‌شود که فرصت‌های ایجاد شده توسط سیاست‌های مالیات بر ارزش افزوده دارای رتبه و میانگین بالاتری نسبت به تهدیدهای آن می‌باشند. در نتیجه راهبرد سیاست بر ارزش افزوده، در موقعیت راهبرد محافظه کارانه قرار می‌گیرد. در این راهبرد لازم است که از فرصت‌های موجود در جهت جبران نقاط ضعف استفاده شود تا بتوان تأثیر نقاط قوت را برجسته نمود.

مالیات بر ارزش افزوده به دلیل اینکه متناسب با محصول ناخالص داخلی کشور است در مواقع رونق و رکود اقتصادی مقدار مالیات به صورت خودکار با حجم فعالیت اقتصادی هماهنگ می‌شود و نیاز به تصویب قوانین مختلف برای افزایش یا کاهش آن و گرفتار شدن در بروکراسی اداری نیست. افزایش درآمدهای مالیاتی باعث کاهش کسر بودجه دولت که یکی از معضلات اقتصادی کشور است، شده و از سویی به دلیل معافیت کالاهای صادرا تی باعث بهبود تراز بازرگانی خارجی شده و در عمل مالیات بر ارزش افزوده را به ابزاری کارا و انعطاف‌پذیر در دست سیاست‌گذاران اقتصادی تبدیل می‌کند. با توجه به وسعت پایه مالیاتی در این مالیات مدرن و پایین بودن نرخ آن در کشور می‌توان اجرای آزمایشی این مالیات در کشور را مثبت ارزیابی کرد. از سوی دیگر، چنانچه قیمت‌ها افزایش یابند درآمدهای مالیاتی نیز افزایش یافته و با کمک به توازن بودجه دولت راهکارهایی جهت کنترل تورم ایجاد می‌گردد. معافیت

صادرات لحاظ شده در قانون مالیات بر ارزش افزوده نیز باعث رشد صادرات غیرنفتی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی می‌گردد.

تقدیر و تشکر

نویسندگان از داوران محترم مجله که نظرات ارزنده آن‌ها موجب بهبود مقاله خواهد شد، تشکر و قدردانی می‌نمایند.

توضیحات

1. SWOT: Strengths, Weaknesses, Opportunities and Threats.
2. Tax Policy-making

۳. آزمون فریدمن یکی از آزمون‌های آماری است که برای مقایسه چند گروه کاربرد دارد و از نظر میانگین رتبه‌های گروه‌ها را معلوم می‌کند که آیا این گروه‌ها می‌توانند از یک جامعه باشند یا نه؟ مقیاس در این آزمون باید حداقل رتبه‌ای باشد. این آزمون متناظر غیر پارامتری آزمون F است و معمولاً در مقیاس‌های رتبه‌ای به جای F به کار می‌رود و جانشین آن می‌شود. در آزمون اف باید همگنی واریانس‌ها وجود داشته باشد که در مقیاس‌های رتبه‌ای کمتر رعایت می‌شود. آزمون فریدمن برای تجزیه واریانس دو طرفه (برای داده‌های غیر پارامتری) به روش رتبه‌بندی به کار می‌رود و نیز برای مقایسه میانگین رتبه‌بندی گروه‌های مختلف کاربرد دارد. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری، معادل آنالیز واریانس با اندازه‌های تکراری (درون گروهی است) که از آن برای مقایسه میانگین رتبه‌ها در بین k متغیر (گروه) استفاده می‌کنیم. فرض کنید می‌خواهیم از یک نمونه شامل ۱۰ نفر در مورد ۵ کالا نظر خواهی کنیم - یعنی از آن‌ها بخواهیم که به هر یک از کالاها از نظر کیفیت امتیاز بدهند - سپس میانگین امتیازات کالاها را باهم مقایسه و بررسی کنیم که اگر اختلافات امتیازات کالاها معنی‌دار است کدام کالا بیشترین امتیاز و کدام کالا کمترین امتیاز را کسب کرده‌است. در چنین حالتی شما با ۵ متغیر روبرو هستید که این متغیرها از لحاظ آماری به هم وابسته هستند. زیرا اندازه‌هایی هستند که توسط هر نمونه تکرار شده‌اند. تفاوت آنالیز واریانس با اندازه‌های تکراری (درون گروهی) با آزمون فریدمن در این است که در آنالیز واریانس شما از هر نمونه یک متغیر را به صورت تکراری در حالات مختلف اندازه‌گیری می‌گیرید (مثلاً از هر نفر (نمونه) در سه حالت ایستاده، نشسته و درازکش فشار خون را اندازه‌گیری می‌کنید). در صورتی که در آزمون فریدمن هر یک از نمونه‌ها امتیازی را به چند گروه (شی یا فرد یا...) اختصاص می‌دهند. در هر دوی این آزمون‌ها متغیرها، توسط نمونه‌ها مقدار گرفته‌اند ولی نکته مورد اختلاف این است که در آنالیز واریانس،

در یک نمونه اندازه‌ها تکراری هستند ولی در آزمون فریدمن اندازه‌ها، امتیازات داده شده توسط یک نمونه است. در آزمون فریدمن فرض H_0 مبتنی بر یکسان بودن میانگین رتبه‌ها در بین گروه‌هاست. رد شدن فرض صفر به این معنی است که در بین گروه‌ها حداقل دو گروه با هم اختلاف معناداری دارند.

مرجع‌ها

- [۱] ادیب‌پور، مهدی؛ کرباسی‌زاده، سینا (۱۳۹۷). رانت نفتی و فساد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا). فصلنامه مدلسازی اقتصادی، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۴۴-۷۲.
- [۲] اسماعیل‌نیا، علی‌اصغر؛ پازوکی، آزاده؛ پازوکی، محمدرضا؛ کریمی، مجتبی (۱۳۹۱). تبیین و تحلیل اثرات شوک‌های نفتی بر رفتار مخارج دولت در اقتصاد ایران. فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۹۳-۱۲۶.
- [۳] امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ معصومی، سیدداوود (۱۳۸۹). رانت‌پریشم و تأثیر آن بر رابطه دولت و احزاب در ایران ۱۳۳۰-۱۳۵۷. جستارهای سیاسی معاصر، سال اول، شماره ۱، صص ۳۳-۵۰.
- [۴] بهاری، آرمان (۱۳۹۵). فرار مالیاتی، در ششمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت با رویکرد علوم پژوهشی نوین، تهران.
- [۵] تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲). فساد مالی و اقتصادی: ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله (جلد دوم). تهران.
- [۶] جهانی‌رئینی، پروانه؛ مرتضوی، امیر؛ مجاهدی، محمدمهدی (۱۳۸۵). بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران (به‌عنوان موردی مشابه بیماری هلندی). فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۱۴، شماره ۳۹ و ۴۰، صص ۱۰۴-۱۳۵.
- [۷] جیمز، کاترین (۱۳۹۸). پیدایش مالیات بر ارزش افزوده. خاندان، علیرضا؛ آجرلو، سعید؛ لرزاده، محمدرضا؛ مرادی‌نقده، مهدی؛ فروغی، امیر (مترجم).
- [۸] حاتمی، روزبه (۱۳۸۶). دولت رانتیر و سرمایه‌گذاری خارجی، روزنامه شرق (مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۴).
- [۹] حاجی‌میرزایی، محمدعلی (۱۳۸۵). بررسی ضرورت و اهمیت تنظیم جریان ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد ایران. بررسی‌های اقتصاد انرژی، شماره ۳.

- [۱۰] حسین زاده یوسف آباد، مجتبی؛ سعیدی، محمد؛ معینی، نصراله (۱۳۹۱). بررسی جنبه‌های اقتصادی- اجتماعی اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده در ایران. در چهارمین همایش ملی اقتصاد، خمینی شهر.
- [۱۱] درخشان، مسعود (۱۳۹۲). ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، دوره ۳، شماره ۹، صص ۵۳-۱۱۳.
- [۱۲] رحیمی روشن، حسن (۱۳۸۹). نظریه دولت رانتییر (تحصیلدار) و جمهوری اسلامی ایران. مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۶۹-۱۰۰.
- [۱۳] رشیدی، احمد؛ موسوی، سید صالح (۱۳۹۸). درآمدهای نفتی و آثار متعارض آن بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران و نروژ. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۵۲-۱۸۱.
- [۱۴] رشیدی، علی (۱۳۷۴). اصلاح نظام مالیاتی، فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۹، شماره ۴، صص ۶۹-۷۸.
- [۱۵] رضائی، ابراهیم (۱۳۹۵). سیاست گذاری مؤثر مالیاتی در بستر ادوار تجاری. پژوهشنامه مالیات (نشریه علمی)، دوره ۲۴، شماره ۲۹، صص ۱۳۱-۱۶۳.
- [۱۶] زمانی، احمد (۱۳۷۸). بررسی سیستم مالیات بر ثروت در ایران و برآورد ظرفیت مالیاتی برخی از اجزای آن، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱۱، صص ۳۹-۶۶.
- [۱۷] سالم، علی اصغر؛ نادمی، یونس (۱۳۹۶). مالیات‌ها و توزیع درآمد در ایران: رویکرد رگرسیون آستانه‌ای. پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۵، شماره ۳۴، صص ۱۵-۳۰.
- [۱۸] سلطانی، علیرضا؛ حشمت‌پور، علیرضا (۱۳۹۵). ساختار مدیریت درآمدهای نفتی در نروژ و گذار از دولت رانتییر. مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۱۹۷-۲۳۰.
- [۱۹] سیاد، محمدرضا؛ خسروی، محمدعلی؛ شیرخانی، علی؛ خسروی باب اناری، ملک‌تاج (۱۳۹۷). تأثیر فرهنگ دولت‌گرا بر کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۸، شماره ۳، صص ۲۷-۴۷.
- [۲۰] علم، محمدرضا؛ بابادی، عصمت (۱۳۹۴). تأثیر اقدامات شرکت نفت ایران و انگلیس در ساختار اقتصادی، عمرانی، و فرهنگی اهواز. گنجینه اسناد، دوره ۲۵، شماره ۱، صص ۲۸-۵۰.

- [۲۱] علم‌الهدی، سجاد (۱۳۹۵). تحلیلی از شاخص‌های نظام مالیات اسلامی به عنوان الگوی هدف برای نظام مالیاتی ایران، اقتصاد تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۹۵-۱۰۹.
- [۲۲] غلامی، الهام (۱۳۹۳). بررسی نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران و کشورهای منتخب. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۲۲-۵.
- [۲۳] غیاثوند، ابوالفضل؛ موقری سادات محله، ریحان (۱۳۹۰). برآورد درآمد مالیاتی ناشی از اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده در ایران. پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، صص ۱۴۱-۱۵۹.
- [۲۴] فضلی‌نژاد، سیف‌الله؛ احمدیان، مرتضی (۱۳۸۹). اقتصاد رانتهی در ایران و راه‌های برون رفت از آن. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی)، دوره ۱۰، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۱۲۹-۱۵۸.
- [۲۵] فهیمی، کیان (۱۳۸۵). ویژگی‌ها و پیامدهای دولت تحصیلدار. روزنامه سرمایه، شماره ۳۱۹.
- [۲۶] قنواتی، نسرین؛ ساعی، وحید؛ ساعی، مجید؛ ساعی، احمد؛ ازغندی، سیدعلیرضا (۱۳۹۶). بازتولید ساختار رانتهی در ایران. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۲۰۳-۲۲۱.
- [۲۷] گرابی‌نژاد، غلامرضا؛ چپردار، الهه (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران. اقتصاد مالی، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۶۹-۹۲.
- [۲۸] محمدی، عاطفه؛ انصاری، زمیفر (۱۳۹۶). تاثیر مالیات بر ارزش افزوده و نقش آن بر درآمدهای کشور. در سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع، تهران.
- [۲۹] مداح، مجید؛ ابونوری، اسمعیل؛ شفیع‌نیک آبادی، محسن؛ سمیعی، ندا (۱۳۹۵). نرخ‌های بهینه مالیاتی در شرایط رانتهی جویی مالیاتی با استفاده از الگوریتم ژنتیک. پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۴، شماره ۳۲، صص ۵۹-۹۶.
- [۳۰] مذهبی، مهدی؛ عمویی، ابوالفضل (۱۳۸۷). رانتهی نفت و دردسرهايش. زمانه، شماره ۶۹.
- [۳۱] مرادی‌نقده، مهدی (۱۳۸۸). مروری بر الگوهای موفق سیاستگذاری مالیاتی. سازمان امور مالیاتی کشور، تهران.
- [۳۲] مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری اقتصاد سیاسی نفت و تحریم‌های بین‌المللی ایران. پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۷۱-۲۰۰.

[۳۳] معینی فرد، مژگان؛ مهرآرا، محسن (۱۳۹۴). تأثیر وفور منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی کشورهای در حال توسعه. سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۹-۳۲.

[۳۴] ملکی، نوشین (۱۳۸۲). دولت رانتییر و سرمایه داری صنعتی در ایران. مجله اقتصادی، شماره ۱۹.

[۳۵] میره بیگی، سید وحید (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی رابطه رانتییریسیم و الگوی حکمرانی خوب: مطالعه شش کشور ایران، کویت، آذربایجان، اندونزی، مالزی و ترکیه. فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۳، شماره ۷۳، صص ۱۱۷-۱۷۰.

[۳۶] نادری، سعید؛ سلاطین، پروانه (۱۳۹۷). تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط، سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۵۶۸-۵۹۵.

[۳۷] نقش‌بندی، نادر؛ میرزایور، مجتبی (۱۳۹۸). حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده: چالشها، موانع، راهکارها و تجارب جهانی مرتبط، در چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد با تأکید بر بازاریابی منطقه‌ای و جهانی، تهران.

[۳۸] نیکی اسکویی، کامران؛ اسدالله زاده بالی، میررستم؛ زمانیان، محبوبه (۱۳۸۸). بررسی نقش مالیات در توضیح نوسانات کسری بودجه. پژوهشنامه مالیات، دوره ۱۷، شماره ۵، صص ۳۹-۶۸.

[۳۹] هراتی، محمدجواد؛ مهدی‌زاده، روح‌اله (۱۳۹۷). آزمون‌پذیری نظریه دولت رانتییر در انقلاب‌های جهان اسلام (مطالعه موردی ایران و مصر). فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۸، شماره ۲، صص ۴۹-۸۰.

[40] Beblawi, H. (1987). The rentier state in the Arab world, *Arab Studies Quarterly*, 9, 383-398.

[41] Beblawi, H., and Luciani, G. (2015). *The rentier state*, Routledge Taylor and Francis Group.

[42] Chairman, (1996). Definition of Taxes.

[43] De Dios, E.S., and Ferrer, R.D. (2001). Corruption in the Philippines: Framework and context, *Public Policy*, 5, 1-42.

[44] Faria, J.R., (2001). Rent seeking in academia: the consultancy disease, *The American Economist*, 45, 69-74.

[45] <http://www.intamedia.ir/Pages/Action/Home>.

- [46] Kurz, H.D. (2015). David Ricardo: On the art of elucidating economic principles in the face of a labyrinth of difficulties, *The european journal of the history of economic thought*, **22**, 818–851.
- [47] Mahdavi, H. (1970). The patterns & problems of Economic Development in Rentier State: The Case of Iran in The Economic History of Middle East, *Studies in Economic History of the Middle East*.
- [48] OECD (1997). Negotiating Group on the Multilateral Agreement on Investment, Prepared during MAI Negotiations.(1995–1998) Foreign Direct Investment and the Environment: An Overview of the Literature, DAFFE/MAI(97)33/REV1.
- [49] Ruml, B. (1946). Taxes for revenue are obsolete, *American Affairs*, **8**, 35–39.

مهدی مجد

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
رایانشانی: m.majd@tax.gov.ir

علیرضا سلطانی

استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
رایانشانی: soltani12@gmail.com

علی عسکری

استادیار گروه اقتصاد نظری و صنعتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
رایانشانی: askari.azadwar@gmail.com